

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مسد (جله چهارم)

نختم منقومی استاد اخوت ۱۳۹۷/۵/۲۴

برای این که حقایق الهی بر جان و روح ما نازل شود و در زندگی ما اثر بگذارد و ما را عاقبت بخیر کند، صلوات برای این که ان شالله مطالبی که می گوئیم و می شنویم ما را به رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) به ویژه امام جعفر صادق (ع) که شهادتشان این هفته است نزدیک کند، صلوات

**برداشت کلی در حوزه صفات با اتکاء به سوره مبارکه مسد با استفاده از کل قرآن:**

برای انسان موضوعی مطرح است به نام صفت و هر انسانی یک حدی دارد که آن صفت را محدود می کند و این حد برای انسان محدوده تعریف می کند. خداوند اسم این حد را شاکله می گذارد و عمل انسان را مبتنی بر شاکله می داند و این موضوع را به عنوان سبیل معرفی می کند، یعنی یک سهولتی که فرد را به سمت اعمال سوق می دهد (سوره اسراء/ ۸۴).

شاکله صفات همانند شاکله صفت است، با این تفاوت که برآیند صفتها برای این شاکله مطرح می شود. این باعث می شود صفتهای غالب و مغلوب تولید شود و می توان افراد را براساس صفتهای غالب و مغلوب شناسایی کرد.

انسانها به واسطه صفات غالب و مغلوب انواع شکل پیدا می کنند که می توان به وسیله آن افراد را شناسایی و معرفی کرد. به همین دلیل در ادبیات، قالب ادبی برای تعیین صفت مطرح می شود مانند صفت مشبه، اسم مفعول، مصدر و...

هر گاه که صفتی با فعل همراه شود، در واقع راه کارهای رسیدن به آن صفت را بیان می کند. مانند سوره حمد که اقرار (عبودیت منحصر به فرد و استعانت) + دعا (هدایت و میل به صراط مستقیم) + برائت (ضلالت و غضب) مطرح می کند.

در قالب ادبی سه حالت وجود دارد:

۱. بیان صفات در سپری شدن زمان ---- شکل گیری و بروز صفات در دل حوادث
۲. بیان صفات به صورت معرفی افراد و اشخاص بدون در نظر گرفتن زمان ----- شکل گیری بروز صفات از حیث جزا و پاداش
۳. بیان صفات در مقایسه با دیگران -----

بر آیند صفت: صفت در انسان حالت بُردار دارد. حرکت و جهت آن تحت تاثیر صفات دیگر، و همچنین حرکت و جهت آن صفت متأثر واقع می شود.

بعد از این بحث افراد می توانند یک جدول برای خود طراحی کنند، مجموع صفات خود را بنویسند و شدتش را از یک تا ده نمره بدهند، سپس مثبت و منفی بودن صفات را بنویسند و اگر نتوانستند مثبت و منفی آن را بنویسند احساس رضایت یا نارضایتی خود را از آن صفت بنویسند. این جدول یعنی شما مجموعه این صفاتی هستید که نوشتید و شما با این مجموعه صفات با خود برخورد می کنید، بنابراین شما دو تا هستید، یک خودتان و یک مجموع صفات. بعد از این کار یک بر آیندی از صفات خود بگیرید و ببینید کدام یک از این صفات غلبه دارد، و غلبه را از اینجا بفهمید که وقتی می خواهید خود را معرفی کنید چگونه معرفی می کنید و دیگران شما را چگونه معرفی می کنند. از این دو بر آیند بگیرید و این باعث می شود صفت غالب خود را پیدا کنید.

مجموعه صفات	شدت از ۱ تا ۱۰	مثبت و منفی	احساس رضایت یا نارضایتی

اگر کسی نتوانست صفات خود را بشناسد و احصاء کند، فصول آخر کتاب "ساختار وجودی انسان از منظر عقل" مجموعه صفات را احصاء کرده است و به صورت تفصیلی بر اساس جنود عقل و جهل بیان کرده است.

مشاوره احتیاج به مبنای تفصیلی صفت شناسی دارد.

صفت‌ها در انسان در روزی متولد می‌شوند. از موقع تولد یک سیر رشدی را در پی دارند، به یک قدرتی که رسیدند، قدرت تناکح پیدا می‌کنند و می‌توانند تکثیر کننده صفات دیگر باشند. و اینگونه سیر صفت‌ها سرعت پیدا می‌کند، علت صفت‌های مختلف (که برداری هستند) و ناهم راستایی صفات، مقدار حضور و ظهور آن در فرد است. حد برآیند شناسی صفات ما باید میل به برآیند شناسی صفات در قرآن بکند. برای ما میزان صحت صفت، قرآن است. راه آن این است که برآیند شناسی صفات در روایات را با خود هماهنگ کنیم و از این دریچه سریع به قرآن می‌رسیم.

اولین خصوصیت شاکله صفات در انسان که از صفت تولید می‌شوند این است که برداری هستند، یعنی جهت رشد دارند، از یک جایی متولد می‌شوند و در جایی می‌میرند.

به نظر می‌رسد که صفت در مواجهه تولید می‌شود یعنی اگر رویارویی را از انسان بگیرید صفت تولید نمی‌شود. زیرا صفت حتماً "نسبت به" و یک استمرار و تثبیت دارد. اصل ریشه صفات منفی در مواجهه‌های منفی است. هر مواجهه‌ای که معیوب و منفی باشد تولید کننده صفات منفی می‌شود.

مواجهه خود وجه پیدا می‌کند و الزاماً هر مواجهه مثبت تولید صفت مثبت نمی‌کند. مواجهه مثبت و منفی دارد و شی هم مثبت و منفی دارد. تنوع در مواجهه باعث تنوع در صفت می‌شود. یعنی انواع مواجهه، انواع صفت را تولید می‌کند.

- شاکله صفات مواجهه در ساختار وجودی انسان (قوای درونی/ استعدادهای فرد) / (توان‌ها به نسبت هم) --  
--- صفت غالب (توجه و مدیریت): توجهی، ایمانی، تفکری: اولوالامر، اولوالابصار، الوالالباب و اولوالنهی

آدم‌های بد و خوب در قرآن بر اساس ساختار وجودی و صفات غالب در هر سوره‌ای جا پیدا می‌کنند. نوعاً در قرآن صفات با شکوفایی کامل مطرح می‌شود، هم در جهت منفی و هم مثبت.

در تولد فرزند ساختار وجودی به صورت بسیط: قوای فکر، عاطفی و توجهی، رفتاری که قابل محاسبه است. صفات فطری صفاتی هستند که حسن و قبح آنها معروف است، یعنی حالت بداهت دارد، بدیهی است.

یکی از رویکردهای شاکله صفات در قرآن، در مواجهه با دیگران است. تولد صفت مواجهه‌ای است و بدون مواجهه صفت معنی پیدا نمی‌کند. بر این اساس می‌توان نظام سازی صفات را به اولوالالباب سپرد.

قوه + توجه + مواجهه = صفت. ماهیت صفات می‌شود: "توجهی".

اگر کسی نماز و دعا را در زندگی جدی بگیرد در کوتاهترین زمان شاکله‌اش به سمت شاکله قرآنی سوق پیدا می‌کند.

- شاکله صفات در مواجهه روابط (ارتباط با دیگران): رابطه با بالاتر، رابطه با هم سطح و هم ارز، رابطه با پایین تر.

رابطه با بالاتر باید خشیت باشد. رابطه با هم سطح و پائین تر تواضع و ادب است.

جزا و پاداش در قرآن به صفات تعلق می‌گیرد یعنی به اثر نفس و مواجهه نفس تعلق می‌گیرد و این تکلیف بردار است. تفاوت بین انسان‌ها کرامتی است که با مواجهه درست برای آنها بهشت ساز می‌شود. خدا به مواجهه درست پاداش می‌دهد. برای تک تک صفات باید بسترها و مواجهه‌های مثبت داشته باشیم. این دست خود ماست.

نظام تعلیم و تزکیه براساس سوره عبس است و همه سوره عبس مواجهه است. صفات ما نوعاً قوایی است اما صفات قرآن مواجهه‌ای است. [در تعریف و بررسی صفات] اگر مواجهه را در نظر بگیری به تقوا نزدیک تر است، زیرا قوا انسان را به مقایسه می‌اندازد.

داستان مواجهه سهم زندگی انسان را به طور کلی عوض می‌کند. همه چیز مواجهه است. وقتی مواجهه فرد با عالم این گونه باشد که حکم خدا را می‌دهد و علم به حکم دارد و به این اعتبار ولی الله است، این ادب و تواضع تولید می‌کند.

در حوزه شاکله صفات آن چیزی که برآیند صفات را تعیین می‌کند مواجهه است. در بحث شاکله صفات، مواجهه اصل است.

- شاکله صفات مواجهه با زمان (گذشته - حال - آینده)

صفات در بستر زمان شکل می‌گیرد و همه موارد ساختاری وجودی به نسبت زمان وجود دارد.

گذشته: صفاتی که به خواطر و به تاثیرات محیطی گذشته وابسته می‌شود. ترس در این دستگاه است. فرد به دلیل گذشته گزایی صفت دیگری در درونش نمی‌تواند شکل بگیرد. تعصب جاهلیت به این دلیل است که فرد با زمان جلو نیامده است و در گذشته مانده است. کسی که دو روزش مثل هم باشد حتماً گرفتار شاکله صفات در گذشته می‌شود و شاکله مدفون در گذشته می‌گردد و این باعث می‌شود که امکان رشد از فرد گرفته شود.

همه تعصبات، اغلال، برخوردهای ناشایست به دلیل در گذشته بودن است.

حال: حی در لحظه بودن محمل برای رویش صفات متعدد است و چنین انسانی آدم با نشاط و فعالی است. اینها مثل رسول هستند مرتب یوحی الیه دارند (به آنها وحی می‌شود). یومنون هستند مرتب ایمان می‌آورند، هر روز یک شهادتین برای هر نمازی می‌گویند، هر روز با امام زمان عهد می‌بندند یعنی هر روز مثل یک طفل متولد می‌شوند. از گذشته و آینده استفاده می‌کنند.

آینده: کسانی که به سمت خیال‌پردازی می‌روند، در رویا هستند. بسیار آرمانگرا و تخیلی هستند.

بحث قوا ناظر به استعداد شناسی است. کسی که در حال باشد جایگاه هر اتفاقی را می‌فهمد و غنیمت‌شمار است.

ملاک تشخیص در گذشته یا آینده بودن:

- دو روزش باهم مساوی باشد
- تاخیر در خیرات داشتن - عجله
- کسالت و تنبلی
- عقب ماندن از برنامه‌ها
- میل به دست آوردن علم لاینفع

در قرآن حزن برای گذشته و خوف برای آینده است. برکت کار در حال اینست که همیشه در حال و ماندگار است. ان شاء الله خداوند به برکت اهل بیت (ع)، پیامبر مکرم (ص) و بزرگان جمع ما را ربانی بکند. خداوند توفیق عمل صالح و اصلاح قوای نفسانی و اصلاح مواجهه‌های نفسانی را عطا کند.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات